

باسمه تعالی

عدالت محوری در پرداخت یارانه انرژی با اجرای مدل IBT

آذرماه ۱۴۰۳



عدالت محوری در پرداخت یارانه انرژی با اجرای مدل IBT

حامل‌های انرژی مانند برق، گاز، بنزین و گازوئیل از جمله کالاهای اساسی و غیرقابل جایگزینی هستند که نقش ویژه‌ای در توسعه اقتصادی، تامین رفاه و نیازهای روزمره مردم دارند. دولت‌ها با توجه به اقتضات خود در تامین حامل‌های انرژی و وضعیت درآمد مردم، قیمت‌های متفاوتی را برای فروش این حامل‌ها تعیین می‌کنند که عموماً یارانه‌ای است و در بخش‌های مختلف صنعت، خانگی و حمل‌ونقل نیز می‌تواند با یکدیگر متفاوت باشد. یارانه‌های مربوط به برق و گاز در بخش صنعت به علت نقش انرژی در تولید و نیاز به توان رقابتی صنایع داخلی تخصیص می‌یابد و در بخش خانگی نیز تخصیص یارانه با هدف حفظ سطح رفاه اجتماعی و جلوگیری از بروز نابرابری و تبعیض صورت می‌پذیرد.

در سیستم‌های رایج و ابتدایی، یارانه به صورت یکسان به تمام مصرف‌کنندگان، صرف نظر از میزان مصرف آنها، تعلق می‌گیرد و موجب می‌شود هر مصرف‌کننده به ازای مصرف بیشتر، از یارانه بیشتری نیز بهره‌مند شود. این شیوه سنتی پرداخت یارانه بی‌عدالتی و مصرف حامل‌های انرژی را افزایش می‌دهد و نارضایتی اقشار کم‌درآمد، افزایش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های تامین انرژی و تخریب محیط زیست را به دنبال خواهد داشت و بنابراین انگیزه برای افزایش بهره‌وری را نیز از بین می‌برد. با دو هدف توزیع عادلانه یارانه و صرفه‌جویی در مصرف انرژی لازم است شیوه‌های پرداخت یارانه‌های برق و گاز تغییر کند و هدفمند شود. در میان بخش‌های مختلف، هدفمندی یارانه در بخش خانگی ضرورت بیشتری دارد، چراکه؛

- 1) مصرف انرژی در خانه‌ها برخلاف بخش صنعت و حمل‌ونقل ارزش افزوده اقتصادی ایجاد نمی‌کند. در نتیجه، نقش کنترل مصرف انرژی در این بخش اولویت دارد. در واقع بهتر است اگر یارانه‌ای وجود دارد، به بخش‌های مولد سوق داده شود و نه بخش‌های غیرمولد.
- 2) یارانه‌ای بودن انرژی سبب می‌شود مشترکین پرمصرف خانگی که اغلب پردرآمدتر و مرفه‌تر هستند بیش از سایرین یارانه دریافت کنند و این نوعی بی‌عدالتی است. در عین حال این مشترکین امکان پرداخت هزینه‌های بالاتر برای مصارف مازاد خود را دارند.
- 3) کنترل مصرف انرژی در بخش تولید اغلب مستلزم سرمایه‌گذاری قابل توجه و دسترسی به فناوری جدید است؛ حال آنکه در بخش خانگی به دلیل وجود مصارف رفاهی غیرضروری، با اصلاح رفتارها و عادات مسرفانه و یا با صرف هزینه ناچیز می‌توان تا حد قابل قبولی، مصرف را کاهش داد.
- 4) بخش‌های مرتبط با تولید و توزیع کالا، تنوع و پیچیدگی بیشتری دارند. بنابراین از نگاه حاکمیتی، اعمال یک سیاست واحد برای همه بنگاه‌ها غیرممکن بوده و لازم است برای هر صنعت و هر محصول،

راهبرد خاصی پیگیری شود. اما در بخش خانگی متغیرهای کمتری وجود دارند و اعمال سیاست واحد، ساده‌تر است.

این مدل تعرفه‌گذاری در دنیا با نام مدل تعرفه پلکانی افزایشی (Increasing Block Tariff) یا به اختصار IBT شناخته می‌شود. در مدل تعرفه IBT، اگر مصرف به چند پله یا بلوک تقسیم و برای هر پله، قیمتی متفاوت تعیین شود، می‌توان هر چه میزان مصرف بیشتر باشد، قیمت هر واحد از آن را نیز بیشتر تعیین کرد. بر این اساس لازم است "الگوی مصرف" برای هر حامل انرژی تعریف و تعرفه مصارف بالاتر از آن به نرخ آزاد معین شود. منظور از الگو، میزانی از مصرف انرژی است که عموم مشترکین برای رفع نیازهای خود به آن میزان از مصرف، احتیاج دارند؛ به عبارت دیگر، با توجه به روند مصرفی عموم مردم (حدود ۶۵ تا ۸۰ درصد مشترکین) تعریف می‌شود. باقی‌مانده مشترکین که در اقلیت هم هستند، مصرفی فراتر از عرف معمول جامعه دارند.

خصوصیت اصلی مدل IBT این است که با عبور از میزان مصرف الگو و به ویژه در پلکان آخر، تعرفه به شکل قابل توجهی افزایش می‌یابد. در این حالت عموم مشترکین برای اصلاح الگوی مصرف انرژی خود انگیزه پیدا می‌کنند و یارانه خانوارهای کم‌مصرف نیز از محل جریمه خانوارهای پرمصرف تامین شود.

در نهایت برای اینکه مدل تعرفه IBT به طور موفق عمل کند، نیاز به طراحی دقیق، اجرای درست و برنامه‌های حمایتی برای اقشار کم‌درآمد دارد.

بررسی یک تجربه واقعی:

کشور ایران به دلیل پهناوری در جغرافیا و تنوع در اقلیم، دارای انواع مناطق با آب‌وهوای سرد، معتدل و گرم است. تا سال ۱۳۹۷ با وجود تفاوت در نرخ تعرفه مشترکین خانگی در هر اقلیم، قبوض برق مشترکین پرمصرف و کم‌مصرف با تعرفه‌ی یکسان محاسبه شده و نرخ این تعرفه به صورت سالانه و با درصد ثابت برای همه مشترکین افزایش می‌یافت.

برای اولین بار در سال ۱۳۹۸ به دلیل کاهش منابع دولت برای پرداخت یارانه برق، میزان افزایش تعرفه مشترکین پرمصرف با دیگر مشترکان تفاوت یافت؛ به طوری که تعرفه مشترکین پرمصرف ۲۳ درصد و سایر مشترکین ۷ درصد افزایش پیدا کرد. پس از مشاهده آثار مثبت این اقدام، اقدامات تکمیلی در سال‌های بعد از آن ادامه پیدا کرد تا در نهایت در سال ۱۴۰۰ بود که مدل تعرفه‌گذاری پلکانی (IBT) برای بخش خانگی اجرا شد. از سال ۱۴۰۰ تا سال ۱۴۰۲ اجرای مدل تعرفه‌گذاری پلکانی بر مبنای قوانین بودجه سالانه به وزارت نیرو تکلیف شد تا در نهایت در این سال و در قالب قانون مانع‌زدایی از توسعه صنعت برق به شکل یک تکلیف دائمی درآمد. جدول ۱، میزان تعرفه مشترکین خانگی را در ۲ سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ نشان می‌دهد:

جدول ۱. میزان تغییرات تعرفه بخش خانگی در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱

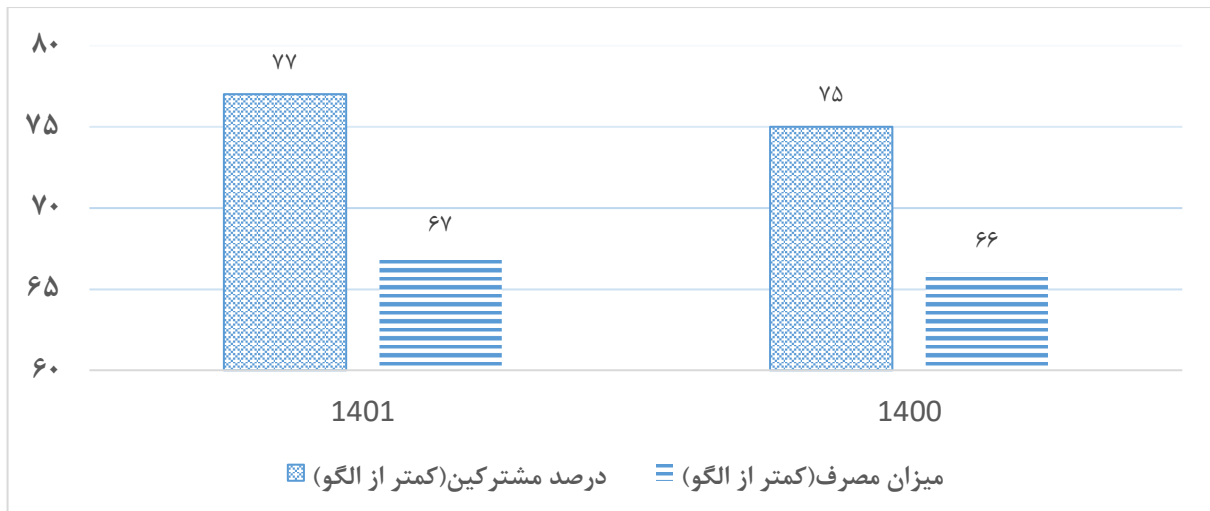
متوسط انرژی مصرفی ماهانه (کیلووات ساعت در ماه)	قیمت پایه هر کیلووات ساعت در سال ۱۴۰۰ (ریال)	قیمت پایه هر کیلووات ساعت در سال ۱۴۰۱ (ریال)	درصد افزایش
۰-۱۰۰	۷۹۴	۹۱۳	۱۴
۱۰۰-۲۰۰	۹۲۳	۱۰۶۱	۱۵
۲۰۰-۳۰۰	۱۹۸۲	۲۲۷۸	۱۵
۳۰۰-۴۰۰	۳۵۶۶	۴۶۱۳	۲۹
۴۰۰-۵۰۰	۴۰۹۷	۷۶۸۸	۸۹
۵۰۰-۶۰۰	۵۱۵۴	۱۰۷۶۳	۱۰۸

همانطور که از جدول ۱ مشاهده می‌شود، اجرای مدل تعرفه‌گذاری پلکانی نه تنها باعث می‌شود تا مشترکین بسته به میزان مصرف خود از درصد یارانه متفاوتی برخوردار شوند بلکه، این امکان را به سیاست‌گذار می‌دهد تا هر سال میزان افزایش متفاوتی را نسبت به گروه‌های مصرف اعمال کند و از مشترکین کم‌مصرف حمایت نماید. به علاوه یکی از اهداف اصلی مدل IBT، کاهش مصرف برق در بخش خانگی است. جدول ۲ نشان می‌دهد که با وجود آنکه تعداد مشترکین خانگی در سال ۱۴۰۱ نسبت به ۱۴۰۰، حدود ۲.۴ درصد افزایش یافته است اما مصرف برق ۰.۶ درصد کاهش یافته که تحقق هدف را نشان می‌دهد.

جدول ۲. تغییرات مصرف برق در بخش خانگی

سال	مصرف (میلیون کیلووات ساعت)	تعداد مشترکین (هزار مشترک)	مصرف به ازای هر مشترک (هزار کیلووات ساعت)	درصد رشد
۱۴۰۰	۹۸۴۶۴	۳۰۸۸۵	۳۱۸۸	-۰.۶
۱۴۰۱	۱۰۰۲۳۳	۳۱۶۴۵	۳۱۶۷.۴	

همچنین نمودار ۱ به خوبی نشان می‌دهد که با اجرای این سیاست و بدون بروز نارضایتی اجتماعی از افزایش تعرفه برق، حدود ۲ درصد به جمعیت مشترکینی که کمتر از الگو برق مصرف می‌کنند، اضافه شده است.



نمودار ۱. مقایسه میزان اثرگذاری اجرای نظام تعرفه‌گذاری پلکانی